



22 اکتوبر 2015



داکتر سید عبدالله کاظم

بررسی مسائل تاریخی یک رسالت مهم است!

اخیراً مقاله پر محتوای دوست گرامی جناب محترم آقای جلیل غنی را تحت عنوان "تاملی بر نشرات بیرون مرزی و آزادی بیان" در این پورتال وزین مطالعه کردم و توصیه های بجا، مهم و اخلاصمندانه شان را در مورد رعایت اصول و قوانین معتبر نویسندگی برای یکده از نویسندگان و گویندگان هموطن در سایت ها و تلویزیون های افغانی که متأسفانه اخیراً از حدود لازم پا فراتر گذاشته و شکل برخوردهای شخصی را بخود گرفته است، تائید و تمجید میدارم. امید است این نوشته عالی اثر نیک بخشیده و نویسندگان و گویندگان را متوجه رسالت واقعی شان همانطوری سازد که در اولین پراگراف مقاله به این عبارت تصریح شده است:

«درین ایامی که افغانستان با یک بحران عمیق ناشی از بی امنیتی، تشدید تخریب کاری ها و ویران گری های وحشت بار مخالفین و تجاوز بر حریم خانواده ها و غارت و چپاول دارایی ها و مجبور ساختن ساکنین محلات به فرار از خانه و کاشانه شان مواجه است و هر روز شاهد قتل و قتال مردم بیگناه، مخصوصاً امسال در مناطق شمالی افغانستان، هستیم و روزی نیست که تعدادی از زنان و کودکان و بی گناهان دیگر شامل پیر و جوان قربانی نگردند، وظیفه ای هر افغان وطن دوست مخصوصاً مورخین، قشر آگاه و تحصیل کرده است در روشنگری اذهان عامه سهم شایسته و بایسته را انجام داده و حقایق را بدون تحریف و حب و بغض به نسلهای موجود و آینده ای افغانستان باز گو نمایند.»

در متن فوق ضمناً اشاره به رسالت کسانی شده است که در جستجوی مسائل تاریخی کشورسعی دارند تا حقایق را از ورای حوادث، بخصوص تاریخ معاصر کشور که با رویداد های جاری به نحوی مستقیم و غیرمستقیم ارتباط دارند، مورد بررسی و تدقیق قرار دهند. با تأسف که فقدان توجه لازم به بررسی مسائل تاریخی در این صد سال اخیر به دلایل مختلف موجب گردیده که بسیاری از رویداد ها از یکطرف زیر تأثیر عوامل و شرایط حاکم زمان قرار گیرد و از واقعیت ها بدور ماند و از طرف دیگر حب و بعضی های محققان آنرا به شکل غیر واقعی جلوه گر سازد.

در این حال بیرون کشیدن حقایق تاریخی از این تاریکی ها یکی از مهمترین رسالت محققان این ساحه بشمار میرود. اگر آنها همین حالا دست بکار نشوند و برای نسل جوان که در تلاطم روزگار در طول بیش از سه دهه جز جنگ و بربادی چیزی دیگر را بخاطر ندارند، میراثی از خود بجا نگذارند، به یقین که نسل جوان و نسلهای بعدی در مسائل تاریخی کشور دچار مخمصه شده و فقط به چیزهای تمسک خواهند کرد که بوسیله دست ها غرض آلود به آنها پیشکش گردیده است. همین آثار و تحقیقات تاریخی اند که نوشتن آن بنیاد "قضاوت تاریخ" را برای نسلهای فردا تشکیل میدهد. لذا نسل جوان و آینده سازان کشور برای قضاوت سالم تاریخ باید از دیدگاه های متفاوت که بوسیله محققان مختلف ارائه میگرددند، برخوردار باشند تا در پرتو آن بتوانند به قضاوت تاریخی بپردازند. اینجاست که ابراز نظرهای متفاوت در مسائل تاریخی که اکنون از طرف محققان ارائه میشوند، یک امر ضروری و لازمی برای قضاوت سالم تاریخ در آینده بشمار میروند.

چنانیکه نویسنده محترم جناب جلیل غنی در پراگراف دوم صفحه اول مقاله فوق الذکر خود به این موضوع صراحت داده و می نگارند که: « بررسی وقایع گذشته و آموختن از اشتباهات در تاریخ هر کشور رهنمای ملت ها برای جلوگیری از تکرار اشتباهات گذشتگان و پیشرفت بسوی یک آینده بهتر با در نظر داشت تجارب و ارزیابی های کار کرد

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ

های گذشتگان است. زحماتی که درین راستا تحلیل گران و تحقیق کنندگان میکشند بی نهایت قابل قدر است مخصوصاً اگر چنین تحقیقات و تتبعات جنبه نقد گونه داشته باشد تا نسل های کنونی و آیندگان از آن پند بگیرند و بیاموزند.»

ولی جملات بعدی این پراگراف به نظرم تا حدی سؤال انگیز معلوم میشود و یکنوع فرار از راه اندازی بحث های تاریخی را افاده میکند، آنهم به این زعم که نویسنده محترم می افزاینده: «پیچیدن به چگونگی نوع رژیم ها و نظام های که نه دیگر در افغانستان وجود دارد و نه هم امکان احیای چنان نظام های مثل امیر نشینی ها و پادشاهی های مطلقه و نظام های مطلق العنان متصور است، در چنین مرحله ای از اولویت برخوردار نخواهد بود. چنین نظام ها و شخصیت ها نه تنها جزء تاریخ هستند بلکه از سالیان دراز به این سو مورد ارزیابی و تدقیق قرار گرفته اند و تاریخ قضاوت خود را در باره آنها کرده است و نیازی به تکرار کار نامه های آنها احساس نمی شود.»

راستش را بگویم، با مطالعه متن فوق بیاد فیصله وزارت معارف در دوره داکتر فاروق وردک افتادم که تصمیم گرفته شد: «موضوعات زمان جهاد نباید در کتب درسی تاریخ برای مکاتب کشور درج گردد.» درباره این تصمیم به قول معروف باید گفت: "خود بخوان حدیث مفصل از این مجمل!"

اگرچه نویسنده محترم مقاله بار دیگر به اهمیت و لزوم بررسی های تاریخی توجه را میذول کرده و علاوه میدارند که: « این بدان معنی نیست که تاریخ گذشتگان دیگر از اهمیت افتاده است و نباید به آن توجه نمود. برعکس همین تاریخ ملتها و گذشته آنهاست که آینده این ملت ها را میسازد. »

با تأکید باید عرض کرد که این جمله نویسنده مقاله برایم بسیار با اهمیت است که در مورد "نویسنده نا آگاه از گذشته" می نگارد: «نویسنده نا آگاه از گذشته و فرهنگش و بدور از ارزشهای عقیدتی و عنعنوی و رسم و رواجهای جامعه اش اثر بی بجای خواهد گذاشت.»

بلی! جان مطلب در همین نکته نهفته است که متأسفانه یک تعداد کسانی که فقط خود را شاهد حوادث میدانند و به چشم دیدهای خود اتکا میدارند و یا اینکه بطور غیرمستند از زبان این و آن نقل قول میکنند، بدون آنکه به مآخذ دیگر رجوع نمایند و یا خودشان به مطالعه آثار دیگران پردازند، مثل ریکارد گرامفون همان یک مطلب را بارها و بارها تکرار میکنند. اگر تنها چشم دیده معیار و ملاک قضاوت های سالم تاریخی باشد، پس همه کسانی که یک حادثه را به چشم دیده و یا از یکی دو نفر شنیده اند و به اساس آن به قضاوت تاریخی می پردازند، باید همه آنها را در جمله مؤرخان حساب کرد. درحالی که یک محقق تاریخ وظیفه دارد تا نخست نظریات و اسناد مختلف را حتی المقدور جمع آوری کند و بعد برای ارزیابی یکی را در تقابل دیگر قرار دهد و از مجموعه آن به اتکای عقل و منطق و نه "حب و بغض های شخصی" نتیجه گیری کند.

دراینکار واضح است که از یکطرف دسترسی به مآخذ مختلف و ازطرف دیگر حوصله مطالعه و بررسی همه مآخذ و بعداً نشر نتیجه حاصله از تحقیق کار آسان نیست و هرکس از عهده این کار پر مسئولیت و دشوار برآمده نمیتواند و اما پیچیدن بر موضوعات تحقیقاتی یک شخص دیگر، کار ساده است مثل آنکه درباره مزه و طعم غذا بعد از صرف طعام هر یک نظر خود را بگوید و اما هیچگاه خود آنها در موقف یک آشپز قرار نداشته باشد.

دراین مورد حکایتی به خاطر آمد که سال قبل در خانه یک دوست جهت عیادتش با دو نفر دیگر رفتم. مریض شکر سرحال بود و تازه اشتهای برای خوراک پیدا کرده بود. سخن از خوراک و پخت و پز آمد. دوست مریض در مورد پختن انواع خوراکه چنان معلوماتی ارائه میکرد که گویی از جمله سرآشپزهای مشهور بوده باشد. پسرجوانش که از آوردن چای فارغ شده بود، بیشتر از همه متوجه حرف های پدر خود بود و به دقت به گفته های او گوش میداد. وقتی پدر از توضیحات خلاص شد، پسر با تعجب روی به ما کرد و گفت که من در هر ده سال عمرم به خدا اگر تا امروز دست پخت پدرم را خورده باشم. خانمش که حرفهای شوهر را می شنید و نزاکتاً چیزی نمی گفت، بالاخره به سخن آمد و با دست اشاره بسوی شوهر کرد و گفت که او در زبان همه چیز را خوب میداند، ولی در عمل یک تخم را پزیده نمیتواند، چون همیشه اتکایش برمن بوده است.

د پانوی شمیره: له 2 تر 3

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولی

با این نظر نویسنده محترم مقاله کاملاً همنوا هستم که در پراگراف سوم نوشته اند: «تحلیل و بررسی وضع کنونی افغانستان، که شدیداً به آن نیاز احساس میشود، در وضع کنونی افغانستان ارجحیت خواهد داشت چنانچه دیده میشود، مخصوصاً در هفته های اخیر بعد از سقوط قندوز و جنایاتی که طالب در آنجا مرتکب شد، بر زوایای مختلف این حادثه المناک از طرف نویسندگان رسالتمند روشنی انداخته شده است. اینها آثاری است که در نوشتن تاریخ فردای افغانستان نقشی عمده خواهد داشت و بر مبنای همین گزارشات مستند تاریخ واقعی این ملت نگاشته خواهد شد.»

با تأیید مطلب فوق این نکته را علاوه میدارم که الحمدلله راجع به مسائل جاری کشور تحلیل های وافر، همه جانبه و عمیق با طرز دیدهای متفاوت چه در منابع خارجی و چه در رسانه های داخلی هر روز به نشر میرسند که همه مردم میتوانند از آن به کمک پیشرفت تکنالوژی به سرعت آگاه شوند، ولی چیزیکه در این زمینه دچار کمبود است همانا نگاهی به واقعیت های گذشته است و کسانی که خود را به آن مصروف می سازند، خدمت شانرا نباید نادیده گرفت و یا آنها را مجبور ساخت به مسائل جاری روی آورند.

آنچه در این مختصر بعرض رسانیدم، فقط در رابطه با سه پراگراف صفحه اول مقاله "تأملی بر نشرات بیرون مرزی و آزادی بیان" از قلم توانای نویسنده محترم جناب آقای جلیل غنی بود که چند روز قبل در این پورتال فخیم اقبال نشر یافت. در پایان بار دیگر از ابراز نظریات و توصیه های بهیخواهانه ایشان صمیمانه قدردانی کرده و با متباقی مطالب این مقاله وزین خود را کاملاً مؤید و همنوا میدانم. خداوند بزرگ به قلم پربرابر جناب شان برکت دهد. (پایان)

د پانیو شمیره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ